

اینبار هم مردم سرنگونی را انتخاب کردند!



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۸۴

شنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۳، ۶ جولای ۲۰۲۴

این بار هم مردم سرنگونی را انتخاب کردند!

در مورد دور دوم انتخابات رژیم

دور دوم انتخاب رئیس جمهور اسلامی با رئیس جمهور شدن پزشک‌پزندگان خاتمه یافت. در این دور نیز سرنگونی طلبی پیروز شد! این بار معلوم نیست تعداد آرا را چند برابر کرده‌اند. اما همه شواهد نشان می‌دهد که برای جبران شکست قاطع دور اول باید میزان مشارکت را بسیار بالاتر نشان می‌دادند. پیام خامنه‌ای که صبح جمعه گفت «شنیدم که شوق و علاقه مردم بیشتر از قبل است» بیانگر این نیاز بود.

آنچه مردم در شهرهای مختلف شاهد بودند حوزه‌های خالی بود. دور دوم نیز ادامه شکست قاطع دور اول بود و با هیچ ترفند و با هیچ قیمتی این شکست مفتضحانه را نمی‌توان جبران کرد.

چند مرتجع را جلو جامعه گذاشتند، در دور اول ۸۷ درصد جامعه با عدم شرکت در این مضحکه توده‌نی محکمی به حکومت زد و همان‌ها که شرکت کردند نیز کاندید اصلی خامنه‌ای و سپاه را سکه یک پول کردند و در دور دوم نیز کاندید اصول‌گرایان شکست خورد و پزشک‌پزندگان برنده اعلام شد. اصلاح‌طلبی که کوچک‌ترین وعده‌های در مقابل یک جامعه خشمگین و معترض نداد جز اینکه او هم در خامنه‌ای ذوب شده و فرامین او را اجرا خواهد کرد. اما نفس اینکه مجبور شدند کاندیداتوری او را تأیید کنند و در دوره‌ای که تلاش می‌کردند بالای حکومت را تماماً یکدست کنند او را از صندوق بیرون بیاورند، به معنی تن دادن خامنه‌ای و هسته سخت قدرت به عقب‌نشینی در برابر صف متحد مردم سرنگونی طلب و شروع تشتت و به هم ریختگی بیشتر در صفوف حکومت است. اما این ترفند نیز دردی از حکومت دوا نخواهد کرد.

در جریان این نمایش انتخاباتی بخش‌های مختلف مردم یکبار دیگر با صدای بلند اعلام کردند رأی ما سرنگونی است. چوب‌دستی شکسته اصلاحات دیگر نه تنها نمی‌تواند کابوس سرنگونی حکومت را تخفیف بدهد، بلکه بحران حکومت را تشدید می‌کند و خشم و نفرت مردم از کل حکومت و آتش انقلاب را شعله‌ورتر خواهد کرد. درهم کوبیدن کل نظام جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب! این مسیری است که جامعه برای رهایی خود انتخاب کرده و با قدرت بیشتری ادامه خواهد داد.

حکومت برای جبران شکست راهی جز تداوم و گسترش سرکوب و اعدام و جنایت ندارد. اما با جامعه‌ای آگاه‌تر و منسجم‌تر طرف است. جامعه‌ای که رأیش را سال‌ها است داده است و مسیر پیشروی‌اش را با خیزش و انقلاب مشخص کرده است. حکومت نه جلو بی‌حجابی عمومی و خرد کردن بنیادهای اسلامی‌اش را می‌تواند بگیرد و نه جلو اعتصابات و اعتراضات را و نه جلو پیشروی و متشکل شدن بخش‌های مختلف جامعه را. دوره متشکل کردن و متشکل شدن بیشتر و انتخاب سیاسی آگاهانه برای پیشروی‌های بیشتر و سرنگونی حکومت قاتلان و فاسدان اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ تیرماه ۱۴۰۳، ۶ جولای ۲۰۲۴

منصور حکمت و جهان امروز

سؤالی از حمید تقوایی

صفحه ۲

نگاهی به تقابل کارگران با انتخابات کذایی

شهلا دانشفر

صفحه ۳

نه بزرگ مردم به مضحکه انتخابات و تشدید

اختلافات حکومتی!

محمد شگوهی

صفحه ۵

انتصاب پزشک‌پزندگان و ادامه کابوس حکومت

حمید تقوایی

صفحه ۶

شریفه باید فوراً آزاد شود!

صفحه ۷

کاهش چشمگیر مشارکت در انتخابات هشتم

تیرماه، رفرا دوم مردم علیه حکومت اسلامی بود

عبدالله اسدی

صفحه ۸

رأی مردم به سرنگونی، ادامه کابوس حکومت

صفحه ۹

اطلاعی‌های هفته اخیر

صفحه ۱۰

منصور حکمت و جهان امروز

سؤالی از حمید تقوایی



انترناسیونال: بیست و دو سال از درگذشت منصور حکمت، بنیان‌گذار حزب کمونیست کارگری می‌گذرد. در این سال‌ها ایران و جهان شاهد تحولات گوناگونی بوده است. به نظر شما کمونیسم کارگری و در کل مجموعه عقاید منصور حکمت تا چه حد همچنان می‌تواند از لحاظ نظری به معضلات جهان امروز پاسخ دهد؟

حمید تقوایی: پاسخ به این سؤال بستگی به این دارد که منظورتان از "معضلات جهان امروز" چیست. هر تحلیلگر منصفی که بخواهد در بررسی شرایط جهان ما حتی کمی عمیق شود به این نتیجه خواهد رسید که معضل جهان امروز در یک سطح پایه‌ای و عمومی سلطه سرمایه‌داری است، و این سلطه جهانی به همراه خود و به ناگزیر به یک مقابله عمومی دامن زده است. تقابلی که در دهه اخیر به درست مقابله ۹۹ درصدی‌ها با یک درصدی‌ها نام گرفته است.

پرچمدار و نماینده این جنبش عمومی علیه سرمایه‌داری و همه مصائب ناشی از آن کمونیسم است که خود یک جنبش اجتماعی همزاد سرمایه‌داری است. بعد از فروپاشی دیوار برلین و فروپاشی کمپ کمونیسم روسی، منصور حکمت این جنبش را کمونیسم کارگری نامید تا آن را از کمونیسمی که دیوارش فرو ریخت کاملاً متمایز کند. این تمایز را تا امروز به عنوان نمونه در برخورد به جنگ غزه، در برخورد به جنبش اسلام سیاسی، در قبال انقلاب زن زندگی آزادی و در یک سطح کلان‌تر در درک و تلقی متفاوت از مبارزه طبقاتی که شیوه و متد دخالت‌گرانه کمونیسم کارگری در هر عرصه تماماً بر آن مبتنی است، به روشنی می‌توان مشاهده کرد. کمونیسم کارگری یعنی کمونیسم پراتیک، دخالتگر و فعال در هر عرصه‌ای که تبعیض و نابرابری و بی‌حقوقی و فقر و سرکوب بیداد می‌کند و این امر در جهان ما یعنی مبارزه در همه عرصه‌ها و همه جبهه‌ها و در پیشاپیش ۹۹ درصدی‌های جهان. این یعنی مبارزه فعال و همه‌جانبه علیه کاپیتالیسم چرا که منشأ و ریشه همه مصائب جهان ما نظام سرمایه‌داری است.

کمونیسم منصور حکمت کمونیسم دخالتگر و فعال علیه سرمایه‌داری در همه جنبش‌های اعتراضی است و دقیقاً به همین دلیل تا زمانی که سرمایه‌داری پا برجاست در عمل و در مبارزه میدانی کمونیسم منصور حکمت نیز راهگشا و پاسخگو است.

از لحاظ تئوریک و نظری نیز آنچه مجموعه عقاید منصور حکمت نامیدید توضیح‌دهنده بسیاری از تحولات جهان معاصر است. در پایه‌ای‌ترین سطح، نظرات منصور حکمت، مانند نظرات مارکس، نقد همه‌جانبه سرمایه‌داری است و به همین خاطر از لحاظ نظری و عقیدتی نیز تا زمانی که سرمایه‌داری بر جهان مسلط است این نظرات نیز معتبر و مربوط و مهم‌تر از همه، ضروری است. ضروری برای رهایی نهنه‌ها طبقه کارگر بلکه کل جهان سرمایه‌زده عصر ما از سلطه و حاکمیت یک درصدی‌های سرمایه‌دار.

در سطح مشخص‌تری نظرات منصور حکمت در عرصه‌ها و جنبه‌های مختلف، از جمله از نقطه نظر متدولوژی، در زمینه تئوری جنبش‌ها (آنچه به نظر من می‌توان آن را "تئوری جنبشی. مبارزه طبقاتی" نامید)، تئوری انقلاب و خصلت سلبی انقلاب، تئوری حزبیت، نقد ناسیونالیسم قومی و حق تعیین سرنوشت، نقد دموکراسی پارلمانی، و نقد فدرالیسم، درافزوده‌های ارزشمندی به مارکسیسم است. آثار مشخصی. نظیر "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی"، "سه منبع سه جزء سوسیالیسم

خلقی"، "دموکراسی، تعابیر و واقعیات"، "ملت، ناسیونالیسم، و برنامه کمونیسم کارگری"، "تاریخ شکست نخوردگان"، "حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی"، "دنیا بعد از یازده سپتامبر" را می‌توان پیشرو‌ها و دستاوردهای ارزشمندی در سیر تفکر مارکسیستی و تبیین عمیق مارکسیستی شرایط عصر ما به شمار آورد. هر یک از این آثار تأثیر تعیین‌کننده‌ای نهنه‌ها در سیاست‌ها و عملکرد هر روزه حزب ما، بلکه در بلوغ فکری کل جنبش چپ ایران داشته است. اما شاید مهم‌ترین جنبه، انسان‌گرایی عمیق منصور حکمت است که به نظر من یک وجه تمایز مهم کمونیسم منصور حکمت از "کمونیسم‌های" غیر کارگری است. منصور حکمت در اولین سخنرانی‌های علنی‌اش در خارج کشور در سال ۱۹۹۹، مجموعه‌ای که تحت عنوان این حزب شماسست منتشر شده، به قول خودش از قلب کمونیسم سخن می‌گوید و انسان‌گرایی عمیق و همه‌جانبه او را در این سخنان می‌توان مشاهده کرد. ما این جمله معروف او را که اساس سوسیالیسم انسان است و سوسیالیسم جنبشی. برای بازگرداندن اختیار به انسان است بر سردر حزیمان نوشته‌ایم و این انسان‌گرایی عمیق، نقطه عزیمت هر برخورد و موضع و رویکرد حزب ما به مسائل و تحولات مختلف سیاسی و اجتماعی است.

شما امروز تأثیرات نظرات و سیاست‌های منصور حکمت را در عرصه‌های مختلف مبارزه می‌توانید مشاهده کنید. از مبارزه علیه اعدام به عنوان "قتل عمد دولتی" تا مقابله با اسلام سیاسی در منطقه و در جهان، و تا نقد اجتماعی و میدانی نیروهای راست پرو دول غربی و نیروهای ملی - مذهبی نوع دوحردادی.

زمانی که منصور حکمت درگذشت هنوز تحولات و اعتراضات گسترده‌ای که در بیست سال اخیر شرایط سیاسی جامعه ایران را زیور کرده است آغاز نشده بود. اما گوئی منصور حکمت این تحولات را پیش‌بینی می‌کرد. او با مشاهده خیزش ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ در مقاله‌ای تحت عنوان "جنبش توده‌ای برای سرنگونی رژیم آغاز می‌شود" سرآغاز جنبشی را نوید داد که در دو دهه اخیر یک عامل تعیین‌کننده در شکل‌دهی به فضای سیاسی ایران بوده است و در سال‌های ۸۸، ۹۷، ۹۸ و ۱۴۰۱ تا امروز ما شاهد نقطه اوج‌های آن بوده‌ایم. این تحولات همچنین بر نظریه منصور حکمت در مورد خصلت سلبی انقلاب که چند ماه بعد از ۱۸ تیر ۷۸ در یک سمینار درون‌حزبی مطرح کرد، و همچنین بر نظرات او در مورد "حزب و جامعه" و "حزب و قدرت سیاسی" بیش‌ازپیش صحه گذشت.

اما شاید بارزترین و برجسته‌ترین نمود مربوط بودن عقاید منصور حکمت به شرایط امروز، برآمد انقلاب زن زندگی آزادی باشد. منصور حکمت ۲۴ سال قبل پیش‌بینی کرد که انقلاب ایران زبانه خواهد بود و امروز همه جهان آن را اولین انقلاب زنانه تاریخ می‌نامد.

این را هم باید در آخر تأکید کنم که نظرات منصور حکمت نیز مانند کل مارکسیسم، یک سیستم نظری بسته و منجمد نیست. در گنه خود دینامیک و پویا است و می‌تواند و باید بسط پیدا کند و بر شرایط مشخص هر دوره تطبیق داده شود. تمام تلاش حزب ما بعد از از دست‌دادن منصور حکمت همین امر بوده است. یک خصیصه مهم منصور حکمت برخورد به مارکسیسم به عنوان یک دکترین زنده و بالنده، و استنتاج از آن، و منطبق کردن آن با شرایط مشخص در هر دوره بود. ما هم در قبال نظرات خود او همین روش را دنبال می‌کنیم.

۱۴ تیر ۱۴۰۳، ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۴

نگاهی به تقابل کارگران با انتخابات کذایی



شهرلا دانشفر

هزاران کارگران اعتصابی نفت در رابطه با چگونگی برگزاری این مضحکه در محیط کارشان می‌نویسند: " آنها صندوق‌های رأی‌شان را به داخل سالن اجتماعات پتروشیمی‌ها و سایت‌ها آوردند. اما نه خبری از همکاران پروژه‌ای بود و نه رأی‌دادنشان."

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان طی بیانیه‌ای بر خواست‌های فوری معلمان اشاره کرد و نوشت: "انتخابات در این ساختار برای شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران موضوعیتی ندارد و ما مطالبات خود را از طریق تلاش برای تشکل‌یابی مستقل و تقویت نهادهای مردمی دنبال خواهیم کرد." و در ادامه خاطر نشان کرد و نوشت: "سوءاستفاده از مطالبات صنفی برای گرم کردن تئور انتخابات و توهین به شعور فرهنگیان بازنشسته و شاغل و همچنین جعل و سوءاستفاده از نام شورای هماهنگی برای مقاصد انتخاباتی از سوی جناح‌های سیاسی را به شدت محکوم می‌کنیم."

-شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) در گزارش خبری اعتراضات دو روز اخیرش نوشت: " اولین اعتراض ما همان‌گونه که در دور اول انتخابات فرمایشی شرکت نکردیم، تحریم انتخاباتی است که قبلاً اعلام کردیم، تماماً فرمایشی. و تنها دست‌به‌دست شدن قدرت میان استثماریان و سرکوب‌کنندگان ماست. ما صندوق‌های انتخاباتی محیط‌های کاری خودمان را خالی از رأی به مراکز شمارش آرا می‌فرستیم تا بدین ترتیب پیام خود را به‌عنوان کارگران معترض نفت به وضع موجود اعلام نماییم."

۵۲۰ معلم بیانیه دادند و با طرح اینکه شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را در حل مشکلات بی‌نتیجه و از همه بدتر، عامل افزایش مشروعیّت و انگیزه سرکوب بیشتر مطالبه‌گران و معترضان می‌دانند، اعلام کردند در این انتخابات شرکت نخواهند کرد.

شورای بازنشستگان ایران مضحکه انتخابات را پشتوانه سرکوب و غارتگری علیه کارگران، بازنشستگان، زنان و آحاد جامعه اعلام کرد و نوشت: انتخاب ما کارگران و بازنشستگان از بستر جدال‌های هر روزه با جهت‌گیری اتکا به نیرو و قدرت اجتماعی مان می‌گذرد، اعتصابات و اعتراضات در کف خیابان، قطب‌نمای دسترسی به رفاه معیشت و تغییر اوضاع با دخالتهای متحدانه در برابر همه تعرضات حکومت به منافعمان از جمله همین نمایش انتخابات است و تا حق خود نگیریم از پای نمی‌نشینیم!"

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران: از بس دروغ شنیدیم/ ما دیگه رأی نمی‌دهیم! "در حاکمیتی که پرستاران برای ایجاد تشکل مستقل خود با سدهای امنیتی مواجه می‌شوند، صندوق انتخابات و رأی‌دادن بی‌معناست. جالب‌توجه اینجاست که خانه پرستار؛ این تشکل حکومتی پرستاران تلاش بسیار می‌کند که پرستاران و کادر بهداشت و درمان را به پای بازی انتصابات حکومتی بکشانند، و این پریطی آن را به ما پرستاران بهروشنی نشان می‌دهد. ما پرستاران که بارها صدای اعتراضمان را در کف خیابان فریاد زده‌ایم، به‌خوبی می‌دانیم: سرنوشت ما و ذره‌ای بهبودی شرایط معیشتمان از صندوق رأی بیرون نخواهد آمد و در این بازی انتصابات شرکت نمی‌کنیم."

سیرک انتخاباتی حکومت برای تعیین رئیس‌جمهوری بعد از رئیسی. قصاب، نمایشی. از سوی یک حکومت در سرایش سقوت و بعد از انقلاب زن زندگی آزادی بود. عدم شرکت مردم در این مضحکه، آن‌چنان عیان و توی چشم بود که نتوانستند به‌راحتی مهره مورد طبع خامنه‌ای جلاد را از صندوق‌های کذایی رأی‌شان بیرون بکشند و علی‌رغم همه دوز و کلک‌هایی که زدند و دست‌کاری اعداد و سه برابر کردن آن، انتخابات حکومتی مفتضحانه به دور دوم کشیده شد. در دور دوم نیز عدم شرکت مردم در این مضحکه و خالی بودن حوزه‌های رأی نشان داد چه به اسم اصول‌گرا و چه به اسم اصلاح‌گرا پاسخ مردم یک چیز است، آن‌هم سرنگونی حکومت.

در جریان این مضحکه حرکت مردم برای جلو بردن انقلابشان دور تندتری به خود گرفت و سخن مشترک همه مردم رأی به سرنگونی و تداوم انقلاب بود و این فریاد همه بخش‌های جامعه یعنی کارگران، معلمان، بازنشستگان، مدافعین حقوق زن، دادخواهان، دانشجویان، پرستاران، و ال‌جی پی تی کیوها و همچنین از درون زندان‌ها بود. تحرک اعتراضی گسترده‌ای که لرزه بر اندام حکومت انداخت. با کشیده شدن انتخابات کذایی‌شان به دور دوم، فاز دوم این کابوس ترسناک حکومت به واقعیت پیوست و خودشان دارند از در پیش بودن فتنه‌ای دیگر سخن می‌گویند.

در متن چنین شرایطی است که هزاران کارگر اعتصابی نفت با تأکید بر مطالبات خود و با گفتن "رأی بی رأی" حرف آخرشان را زدند و نفس اعتصاب هزاران کارگر در این مرکز کلیدی اقتصادی کشور ضربه محکمی به حکومت به‌ویژه به بساط نمایش انتخاباتی‌اش بود. از سوی دیگر بیش از یک ماه است که بازنشستگان کمپینی و با فریاد "ما دیگه رأی نمی‌دهیم"، "اصول‌گرا، اصلاح‌گرا، تمام شد ماجرا" همچون سدی محکم مقابل حکومت و کل بساط سیرک مسخره انتخاباتی حکومتیان ایستاده و در کف خیابان صدای اعتراض کل جامعه را فریاد زدند. بازنشستگان با شعار "فقر فساد گرانی بلای جان مردم و بعد با فریاد "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" پرچم اتحاد مبارزاتی کل جامعه را به دست گرفته و راه برونزفت از این جهنم را نشان می‌دهند.

این چنین است که در جریان مضحکه انتخاباتی که بر پا شد شاهد متحد شدن هر چه بیشتر صف اتحاد و همبستگی انقلاب زن زندگی آزادی هستیم. این را از جمله در بیانیه‌های منتشر شده به مناسبت مضحکه انتخاباتی حکومتی از سوی بخش‌های مختلف کارگری و کل جامعه شاهدیم. اجازه بدهید به نمونه‌هایی از واکنش‌های بخش‌های مختلف کارگری که در بیانیه‌هایشان بازتاب دارد اشاره کنم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با اشاره به مشکلات کاری و معیشتی خود طی چند دهه از حاکمیت این رژیم و در چنگ پیمانکاران مفت‌خور نوشت: "دیگر بس است. به این بردگی تن نمی‌دهیم. ما مطالبه‌گریم. همانطور که بازنشستگان عزیز در خیابان فریاد زدند. همانطور که مردم صدایشان بلند شده است. حرف ما هم همین است. رأی بی رأی. از حقمان کوتاه نمی‌آییم". این شورا در نقل اخبار اعتراضات

نگاهی به تقابل کارگران با انتخابات کذایی

از صفحه ۳

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران در بیانیه خود ضمن اشاره به وضعیت اسف‌بار معیشتی و مبارزاتی که داشته‌اند نوشت: "در حاکمیتی که پرستاران برای ایجاد تشکل مستقل خود با سدهای امنیتی مواجه می‌شوند، صندوق انتخابات و رأی‌دادن بی‌معناست. " و همان جا با اشاره به نقش مخرب خانه پرستار این تشکل حکومتی پرستاران که تلاش به بازارگری مضحکه انتخابات را دارد نوشت: " این پریطی آن را به ما پرستاران به روشنی نشان می‌دهد. ما پرستاران که بارها صدای اعتراضمان را در کف خیابان فریاد زده‌ایم، به‌خوبی می‌دانیم: سرنوشت ما و ذره‌ای بهبودی شرایط معیشتیمان از صندوق رأی بیرون نخواهد آمد و در این بازی انتصابات شرکت نمی‌کنیم."

جمعی از کارگران نیشکر هفت‌تپه در همین رابطه نوشتند: "به سرمایه‌داران رأی نمی‌دهیم! انتخاب واقعی و آزاد فقط در شوراهای منتخب مردم است. کارگران هفت‌تپه و جنبش کارگری، هیچ منفعتی در دفاع از این نظام استثمارگر و سرکوبگر ندارند و برای ادامه و بقای آن در انتخابات سرمایه‌داران شرکت نمی‌کنند. ما به دشمنان طبقاتی مان رأی نمی‌دهیم. شرکت در انتخابات تأیید کل وضعیت و مشکلات و مشقات و مسبب آن است."

در کنار همه اینها چهره‌های شناخته شده کارگری از زندان و از بیرون از زندان در بیانیه‌های خود علیه این مضحکه قد علم کردند و فریاد اعتراض و دادخواهی‌شان را بلند کردند. از جمله اسماعیل بخشی، فعال کارگری و محبوب در میان کارگران هفت‌تپه که در جریان اعتراضات کارگری ۱۳۹۷ خوزستان زندانی شد، در پیامی اعلام کرد که کارگران هفت‌تپه از هیچ شخص و جریانی در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران حمایت نمی‌کنند. او نوشت: "معلم و کارگر عزیز، مرزبگیران شریف، تکرار راه چندین بار رفته خطاست، وقتی برای گرفتن حقتان تجمع اعتراضی برگزار کردید هرکدام از این افراد رئیس‌جمهور شود برای حل مشکلات با اولین وزیری که تماس می‌گیرد وزیر اطلاعاتش است. چماق همان چماق است فریب رنگش را نخورید." یوسف بهمنی یکی دیگر از کارگران نیشکر هفت‌تپه نیز نوشت: "کارگران هفت‌تپه از مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی به‌هیچ‌وجه حمایت نمی‌کنند و در کنار مردم ایران و مادران دادخواه هستند. یوسف بهمنی همچنین در پاسخ به آن دسته از نامزدهای انتخاباتی که از اعتبار هفت‌تپه می‌خواهند برای خود کره تبلیغاتی بگیرند، عنوان کرد که این کارها فایده‌ای ندارد و مسیر کارگران هفت‌تپه در تمامی این سال‌ها روشن است و آنها در مسیر حق و در کنار مردم گام بر می‌دارند.

جالب اینجاست که طرف‌داران سعید جلیلی، از تصاویر و نام کارگران هفت‌تپه سوء‌استفاده کرده و آن‌ها را حامی خود خواندند و این کار ذبوانه آن‌ها با واکنش اسماعیل بخشی و یوسف بهمنی و تکذیب قاطع آن روبرو شد و این متوسل‌شدن به اسم کارگران و کانون‌های داغ اعتراضات کارگری خود نشانگر مکان جنبش کارگری در صف مقدم اعتراضات کل جامعه و در مقابل مضحکه انتخاباتی حکومت است.

از درون زندان نیز بیانیه‌هایی داده شد. از جمله شماری از زندانیان زن محبوس در زندان اوین به اسامی آئینا اسداللهی، ریحانه انصاری‌نژاد، هستی امیری، گلرخ ایرایی، ناهید تقوی، ناهید خداجو، نسرين خضری‌جوادی، فرح نساجی و مریم یحیوی بیانیه دادند و نوشتند: "ما زنان چپ محبوس در زندان اوین بديهي است که در انتخابات

ریاست‌جمهوری شرکت نکرده و نمی‌کنیم. چراکه:

- این قبیل انتخابات تلاشی است مذبحانه برای نجات حکومتی مستأصل که دیگر مشروعیت خود را از دست داده است.

- کاندیداهای انتخاباتی به‌مانند هر دوره دیگر نماد پوسیدگی این رژیم فاشیستی هستند.

- این انتخابات به‌مانند هر انتخابات دیگر در نظام‌های سرمایه‌داری به این معناست که تنها زمانی به مردم "حق انتخاب" داده می‌شود که از میان ستمگران یکی را "انتخاب" کنند تا برای چند سال دیگر نظم مستقر ارتجاعی را تداوم بخشند.

معتقدیم رهایی نه از طریق صندوق‌های رأی، بلکه فقط به دست خودمان، و از طریق مبارزه آگاهانه علیه هر شکلی از استثمار، ستم و تبعیض میسر است."

طبق گزارشات منتشر شده شمار زیادی از زندانیان سیاسی بند زنان و بندهای ۴ و ۸ اوین از جمله رضا شهبانی، داوود رضوی، رسول بدایقی، حسین سعیدی این مضحکه انتخاباتی را تحریم کردند و در رأی‌گیری شرکت نکردند.

بدین‌گونه جنبش کارگری و بخش‌های مختلف طبقه کارگر یعنی کارگران در نفت و دیگر مراکز کارگری، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، همه‌وهمه در صف گسترده اعتراضات مردمی با قدرت علیه کل بساط حکومت و مضحکه انتخاباتی ایستادند. این چنین است که کارگران اتحاد طبقاتی کارگری و مبارزاتی کل جامعه را نمایندگی می‌کنند و در چنین شرایطی است که بار دیگر منشور خواست‌های حداقلی بیست تشکل کارگری - اجتماعی و منشور مطالبات پیشرو زنان این دو سند تاریخی انقلاب زن زندگی آزادی روی میز گذاشته شده و به این اتحاد معنا و عمق می‌بخشد.

تا آنجا که به مضحکه انتخابات می‌گذرد، جنایت‌کاری سقوط کرده و جنایت‌کار دیگری بجای او منصوب می‌شود. این اتفاق در فضای انقلابی جامعه و به‌ویژه به دنبال انقلاب زن زندگی آزادی به معضلی برای حکومت تبدیل شده و صف حکومتیان را به‌هم‌ریخته است. اما سرانجام با زدن به سر و کله یکدیگر مهره دیگری را از صندوق‌های کذایی‌شان بیرون می‌کشند. اما واقعیت مهم‌تر این است که مردم مدت‌ها است انتخاب خود را کرده‌اند. رأی و انتخاب مردم تداوم اعتراض و اعتصاب و به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی و سرنگونی حکومت کثیف و درمانده اسلامی است. باید از این فضای فعال و پربار سیاسی در جامعه برای پیشروی بیشتر انقلاب و به پیروزی رساندن موفق انقلاب هر چه بیشتر سود جست.*



نه بزرگ مردم به مضحکه انتخابات و تشدید اختلافات حکومتی!



محمد شکوهی

با اعلام نتایج دور اول مضحکه انتخابات و اینکه ۶۰ درصد مردم به این نمایش نه گفتند، انتخابات حکومت به دور دوم رفت. این یک شکست بزرگ برای کل نظام و همه دار و دسته‌های رنگارنگش بود. حکومت در ارزیابی از این مخالفت بالای مردم، انواع و اقسام توجیهات را طرح و تلاش کردند بگویند، بالاخره انتخاباتشان را

برگزار کردند. اما در مورد اثرات و تبعات عدم مشارکت بالای ۶۰ درصدی مردم در این مضحکه، خامنه‌ای روز چهارشنبه ۱۳ تیرماه، ضمن اعتراف به شکست حکومت، ارزیابی‌اش را از این مضحکه ارائه داد.

خامنه‌ای در باره عدم شرکت ۶۰ درصدی مردم در سیرک انتخابات رژیم گفت: "در مرحله نخست مشارکت آن گونه که توقع داشتیم و حدس می‌زدیم نبود. اینکه تصور شود کسانی که در دور اول رأی ندادند مخالف نظام هستند، برداشت کاملاً اشتباهی است. ممکن است کسانی باشند که از یک مسئول خوششان نیاید یا افرادی باشند که از اصل نظام خوششان نیاید. چنین افرادی هستند و آزادانه هم حرفشان را می‌زنند. کسانی از اصل اسلامی نظام و تشکیلات اسلامی حکومت مخالف‌اند. اینکه هر کسی رأی نداد را ملحق به اینها بکنیم، خطاست."

وی در عین حال تقلا برای گدایی رأی کرد و از مردم خواست در ۱۵ تیرماه دوباره بیایند و رأی بدهند. چراکه به ادعای وی "مشارکت مردم در انتخابات برای نظام اسلامی پشتوانه" است. مایه آبرو است. مایه سریلندی است!"

سخنان خامنه‌ای گویای وضعیت زار و درهم‌ریخته و زیر ضرب گرفته حکومت از طرف مردم معترض در نمایش انتخابات است. وی اعتراف می‌کند که مردم ۶۰ درصد نه گفتند؛ اما از مخالفان نظام نیستند. گویا انتظاراتش برآورده نشده و حساب‌های دیگری کرده بودند که همگی اشتباه از آب درآمد. علی‌رغم عدد و رقم سازی برای میزان شرکت مردم در انتخابات، مجبور شدند اعتراف بکنند که ۶۰ درصد شرکت نکردند. اینکه سرنوشت مرحله دوم انتخابات به کجا خواهد کشید و چه کسی را خامنه‌ای از صندوق رأی بیرون خواهد کشید، مسئله ثانوی است. مردم ضربه‌شان را به حکومت در همان دور اول زدند. در دور دوم قطعاً درصد بسیار کمتری هم به هر دلیلی ممکن است در انتخاباتش شرکت بکنند. اما این شرکت متأثر از اثرات و تبعات شکست در دور اول انتخابات خواهد بود.

در هفته‌ای که گذشت دار و دسته‌ها و باندهای حکومتی از اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان گرفته تا چهره‌های شاخص نظام در دهه‌های گذشته، تمام سعی و تلاششان را کردند تا بلکه بتوانند درصد بالایی از مردم را اقناع کرده و پای صندوق رأی بیاورند که موفق نشدند و شکست خوردند. آرایش نیروهای سیاسی حکومت و صف‌بندی‌هایشان بعد از پایان دور اول این مضحکه دچار تغییر و تحولات مهمی شده است. دیگر جناح‌بندی‌های قبل از این مضحکه اعتباری ندارد. الان معضل خامنه‌ای، سپاه و کل جریان اصلاح‌طلبی حکومتی مهندسی مشترک مرحله دوم این مضحکه است. جامعه و مردم یک طرف و کل نظام جمهوری اسلامی در طرف دیگر، آرایش جدید فضای سیاسی ایران را نشان می‌دهد. فضایی که قطعاً حکومت و تلاش‌هایش برای برگزاری انتخابات موردنظر خامنه‌ای را در هم ریخت و حکومت را بسیار ضعیف‌تر و شکننده‌تر از هر زمانی در برابر مردم قرار دارد. نه مردم به این مضحکه نگرانی‌های جدی برای حکومت و خامنه‌ای به همراه آورده است. اینجا نگاهی گذرا می‌کنیم به این وضعیت جدید آرایش و صف‌بندی‌های باندهای حکومت بعد از دور

اول مضحکه انتخابات. چند نکته:

نکته اول و مهم در این معرکه‌گیری حکومتی عدم شرکت مردم و به این اعتبار نه بیش از ۶۰ درصدی مردم به این انتخابات و کل نظام بود. این مهم‌ترین فاکتور است که در همین چند روز گذشته اثرات و تبعات بسیار ویران‌کننده‌ای بر صف‌بندی‌ها و آرایش نیروهای درونی حکومت بجا گذاشته است. تا جایی که حتی خامنه‌ای هم مجبور به اعتراف به آن می‌شود و رسماً شکست را می‌پذیرد و در تلاش برای توجیه این شکست بر می‌آید.

نکته دوم علی‌رغم تلاش‌های جریان اصلاح‌طلبان حکومتی برای گرم کردن تنور سرد مضحکه انتخابات برای کشاندن مردم به رأی‌گیری شکست سختی خوردند. ۶۰ درصد مردم به هر دو جناح حکومت نه گفتند. مردم مدت‌هاست از دو جناح رژیم عبور کرده‌اند و این خود بحران درونی حکومت را تشدید کرده است.

نکته سوم شکست جریان اصول‌گرایی حکومتی به عبارتی دار و دسته‌های دوروبر بیت رهبری و سپاه، چیزی که حتی خود خامنه‌ای هم تا این حد تصورش را نمی‌کرد، است. کاندیداهای این جریان به‌غیر از جلیلی کمترین آرا را به دست آوردند. متقابلاً پزشک‌های که مورد حمایت جریان اصلاح‌طلبی حکومتی و جریانات و چهره‌های "معتدل" نظام است، ادعا کردند که بیشترین رأی را آورده‌اند. اما هر ادعایی این باند بکنند، پیروز این میدان جنگ، مردم هستند.

نکته چهارم شکست و ضعیف‌تر شدن جایگاه خود خامنه‌ای و به این اعتبار سپاه پاسداران در رأس باندهای نظام است که همه کاندیداهای مورد حمایت این باند چاره‌ای جز قبول شکست نداشتند و منتظر دخالت خامنه‌ای بودند که وی هم با صحبت‌های روز چهارشنبه‌اش اعلام کرد که "نگرانی‌های دیگری" دارد و دوباره از مردم گدایی رأی کرده و عاجزانه خواست تا مردم در دور دوم پای صندوق‌ها بیایند و به مشروعیت نظام رأی بدهند.

نکته پنجم روی گردان‌شدن بسیاری از چهره‌های شاخص اصول‌گرایان حکومتی به همسویی با باندهای اصلاح‌طلبان که با پزشک‌های ظاهراً شانس بیشتری برای ورود به پاستور دارند، است. آنچه که از آن به‌عنوان "جریان میانه" حکومت نام برده می‌شود و همه از خامنه‌ای ناراضی هستند اکنون دوروبر پزشک‌های جمع شده‌اند به این امید واهی که شاید مردم انتخاباتشان بکنند و خامنه‌ای را مجبور به رضایت‌دادن به ریاست‌جمهوری پزشک‌های بکنند. کل زاویه‌داران درونی حکومت با خامنه‌ای الان حول پزشک‌های گرد هم آمده‌اند.

نکته ششم موقعیت و نقش سپاه در کل این ماجرا است. علی‌رغم تلاش‌ها و تقلاهای این نیروی سرکوبگر در جانب‌داری از کاندیداتوری قالیباف در دور اول شکست خوردند و صبر و تحمل پیش گرفته و بیشتر نظاره‌گر مهندسی دور دوم انتخابات توسط خامنه‌ای است. در همین زمان حسین سلامی فرمانده سپاه که در معرکه‌گیری روز چهلیم سقط شدن رئیسی در مشهد سخترانی می‌کرد گفته: "با آمدن پای صندوق‌های رأی قلب امام‌زمان را روشن و لبخند رضایت را بر صورت رهبر بنشانید!"

در این شکی نیست که مردم بازی و حساب و کتاب خامنه‌ای و سپاه و کل باندهای حکومتی را بر هم زدند. بیش از ۶۰ درصد مردم به این مضحکه نه گفتند و این یک پیروزی برای مردم است. دوفاکتور کل باندهای حکومتی هم این شکست را پذیرفته و مذبح‌خانه هنوز دنبال گدایی رأی از مردم هستند. در دور دوم این مضحکه هم قطعاً درصد بسیار بالایی از مردم شرکت نخواهند کرد و نه بزرگ دیگری به حکومت خواهند گفت.

نه بزرگ مردم به مضحکه انتخابات و تشدید اختلافات حکومتی!

از صفحه ۵

برسانند. اینها دچار اشتباه محاسباتی شده‌اند. خودشان هم می‌دانند؛ ولی پاره تن نظام هستند و در برابر مردم تا آخرین نفس در دفاع از بیت رهبری و خامنه‌ای خواهند ماند. مغضوبین سابق بیت رهبری و کنار گذاشتگان از قدرت در جنگ و دعواهای جناح‌های حکومتی، ژست "ناجیان نظام" در مقابل تعرض انقلاب مردم به کل حکومت را گرفته و مدام به خامنه‌ای هشدار می‌دهند که این وضعیت را دیده و به این جماعت اعتماد نکند. یکی از احتمالات برای نجات کل نظام از این وضعیت بی‌افقی و درهم‌ریختگی صف باندهای اصول‌گرا می‌تواند این باشد که خامنه‌ای علی‌رغم میلش به این باندها چراغ سبز نشان داده و در قدرت شریکشان بکند. اینکه این احتمال مورد قبول سپاه و کل دایره بیت رهبری باشد، هنوز زیاد معلوم نیست. همه چیز هنوز باز است. کل نظام نگران نیامدن مردم و یک نه بزرگ دیگر به حکومت هستند. مهندسی دور دوم این مضحکه برای خامنه‌ای و سپاه به مراتب سخت‌تر از دور اول است.

برای مردم فرق نمی‌کند که خامنه‌ای چه کسی. را از صندوق بیرون می‌آورد. مردم عزم جرم کرده‌اند که اعتراض و مبارزه‌شان را برای به زیر کشیدن کل بساط حکومت تروریست‌های اسلامی ادامه بدهند. حکومت برآمده از مضحکه دور دوم انتخابات، به مراتب ضعیف‌تر، شکننده‌تر و درهم‌ریخته‌تر در برابر مردم و ضربه‌پذیرتر خواهد بود. قدرت مردم اینجاست. باید این نیروی اکثریت مخالف رژیم، و پیروزی مردم در مقابل حکومت در دور اول انتخابات را سکوی پرشی برای تعرضات بعدی به حکومت قرارداد و در تدارک وارد کردن ضربه نهایی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی شد.

مردم سال‌هاست انتخابشان را کرده‌اند. سرنگونی جمهوری اسلامی. مردم این خواست را در جریان انقلاب زن زندگی آزادی یک‌بار دیگر با صدای رسا اعلام کردند و این تنها راه‌حل است. جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند.

۴ جولای ۲۰۲۴

باندهای دوروبر جلیلی دچار تشمت و درهم‌ریختگی هستند. در این میان حکومت و باندهایش تمایل بیشتر به پزشک‌پانان نشان داده و تمام تلاش این باندها الان متمرکز شده تا تور سرد و پرمق انتخابات حکومت را گرم نگه دارند. چهره‌های شاخص جریان اصلاح‌طلبی حکومتی و میان‌روهای حکومت که حول پزشک‌پانان گردآمده‌اند، نگران عدم حضور گسترده مردم و یک نه بزرگ دیگر هستند. بهزاد نبوی از چهره‌های دهه ۶۰ حکومت در این مورد و خطاب به باندهای جمع شده دور پزشک‌پانان گفته است: "من ضد هر انقلابی شده‌ام. حاکمیت در رویکردهای تند خود اندکی تجدیدنظر کرده و انعطافی نشان داده است. باید این انعطاف را به فال نیک گرفت. نباید طوری رفتار کرد که حاکمیت از انعطاف خود پشیمان شود!" اصلاح‌طلبان و خیل زاویه‌داران با بیت رهبری و خامنه‌ای باورشان شده که می‌توانند با عنایت "آقا" نظام را از بزرگ‌ترین بحران حکومتی‌اش، عبور داده و دوباره به آغوش بیت رهبری برای نجات نظام باز گردند. مردم از قضا به همین جماعت هم سال‌هاست که نه گفته و فرقی بین بیت رهبری و اینها نمی‌بینند.

چندین نسل از مردم هنوز به یاد دارند که همه این باندها در دهه ۶۰ بانیان جنایات و سرکوب انقلاب مردم و از عناصر اصلی شکل‌دادن و ساختن نظام کثیف جمهوری اسلامی بودند. اینها شریک جرم‌اند و قاتلان مردم. سینه‌چاک کردن این جماعت در دفاع از کلیت نظام در این دوره، تلاش برای نجات حکومت در دوره‌ای که در بحرانی‌ترین وضعیت قرار دارد و انقلاب زن زندگی آزادی بزرگ‌ترین ضربه را به کل نظام زده و عملاً زمین‌گیرشان کرده است، رسالت این جریان حکومتی و ضد‌مردمی است که در حال حاضر با بی‌اعتباری جریان اصول‌گراپی مورد حمایت خامنه‌ای، قرار است ناجی کل نظام سرکوب و تروریسم اسلامی شده و کشتی توفان‌زده و به گل‌نشسته جمهوری اسلامی را به ساحل نجات عبور

انتصاب پزشک‌پانان و ادامه کابوس حکومت

شرکت می‌کرد. این "انتخابات" ای در دل اولین انقلاب زنانه تاریخ است. مدت‌هاست مردم در برابر کل نظام به پا خاسته‌اند و اعلام داشته‌اند "اصلاح‌طلب - اصول‌گرا دیگه تمومه ماجرا". این بار این انقلاب است که بالائی‌ها را به رقص واداشته است؛ به جست‌وخیز روی زمینی که هر روز داغ‌تر می‌شود!

این بار حکومت صرفاً با تحریم انتخابات روبرو نبود؛ بلکه با فراندوم گسترده‌ای بر سر بودونبود نظامش روبرو بود. فراندومی که صریح و آشکار رأی به نبود جمهوری اسلامی داد. اکثریت قاطع مردم نه‌تنها رأی ندادند؛ بلکه بخش‌های مختلف جامعه، از معلمان و بازنشستگان و کارگران اعتصابی نفت، تا دانشجویان و زنان و دادخواهان و زندانیان سیاسی و نویسندگان و رنگین‌کمانی‌ها و در یک کلام اکثریت قریب‌به‌اتفاق مردم، یکبار دیگر متحد و یکپارچه با صدای بلند اعلام کردند رأی ما سرنگونی و انتخاب ما زن زندگی آزادی است.

انتخابات را بالا معماری کرد؛ اما فرمان در دست پائینی‌ها بود. انتصاب پزشک‌پانان به همان اندازه عدم شرکت بیش از ۸۰ درصد مردم در نمایش انتخاباتی نشان‌دهنده درماندگی و ضعف و بن‌بست حکومت و تعرض همه‌جانبه مردم است. تعرضی که تا به کرسی نشستن رأی سرنگونی مردم به‌پیش خواهد رفت.*

حمید تقوایی

از صندوق بیرون آوردن پزشک‌پانان بجای رئیس‌جمهوری که مردم هلاکتش را جشن گرفتند، خودگوی مؤلفه‌های مختلف شرایط سیاسی ایران در دوره حاضر است. دوره‌ای که با انقلاب زن زندگی آزادی در ۱۴۰۱ آغاز شد.

"اصلاح‌طلبی" که ذوب شده در ولی‌فقیه است، بجای رئیس‌جمهور جلادی که ناگزیر شدند با پایان بخشیدن به زندگی‌اش دوره‌اش را به پایان برسانند، در انتخاباتی که مردم به فراندوم سرنگونی تبدیلش کردند، رئیس‌جمهور می‌شود! این به‌اصطلاح انتخابات، بر خلاف انتخابات‌های گذشته، مانوری برای تنظیم مناسبات بین باندهای مختلف حکومتی نبود، بلکه پاسخی از سر استیصال به یک جامعه در حال انفجار بود.

انتخابات را خامنه‌ای معماری کرد و مردم بر سرش خراب کردند. خامنه‌ای پزشک‌پانان را برای گرمی بازار انتخاباتی از فیلتر شورای نگهبان گذراند و به امید تخفیفی در بحران همه‌جانبه نظامش از صندوق بیرون آورد. اما پزشک‌پانان همان قدر می‌تواند بحران حکومت را تخفیف بدهد که توانست بازار انتخابات را گرم کند. یعنی هیچ!

این دیگر دوره خاتمی و روحانی نیست که بخشی از جامعه با توهم گشایش سیاسی و با تاکتیک بجان هم انداختن بالائی‌ها در بازی انتخاباتی

شریفه باید فوراً آزاد شود!

سرنگونی اعلام کرده‌اند، این حکم را نیز به تشدید مبارزه علیه قاتلان تبدیل می‌کنند.

کارزاری برای آزادی شریفه محمدی به راه افتاده است. حزب کمونیست کارگری از این کارزار دفاع می‌کند و همه فعالین و مردم آزاده را به حمایت از آن فرامی‌خواند.

عضویت در یک تشکل کارگری و در احزاب و سازمان‌های سیاسی جرم نیست. حق بی‌چون و چرای همه مردم است. با تمام قوا به دفاع از شریفه برخیزیم و او را از چنگ جانپان حاکم نجات دهیم. حکم اعدام شریفه باید لغو شود و فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ تیرماه ۱۴۰۳، ۵ جولای ۲۰۲۴

روز پنجشنبه ۱۴ تیر قاتلان حاکم شریفه محمدی را در بیدادگاه حکومت در رشت به اتهام "بغی" محاکمه و به اعدام محکوم کردند. شریفه هفت ماه قبل روز ۱۴ آذر ۱۴۰۲ دستگیر شد و چند ماه در انفرادی تحت شکنجه جسمی و روحی شدیدی قرار گرفت. اتهام او عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری قید شده و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی این تشکل را وابسته به کومله اعلام کرده‌اند و براین اساس به او حکم اعدام داده‌اند.

رژیم علیه این فعال کارگری و اجتماعی پاپوش دوزی کرده و پس از شکنجه‌های وحشیانه او را به اعدام محکوم کرده است. جنایت کاران حاکم تصور می‌کنند که فضای مبارزاتی در جامعه به‌ویژه به دنبال شکست مفتضحانه حکومت در نمایش انتخاباتی را می‌توانند با چنین احکام وحشیانه‌ای به عقب برانند. اما مردمی که رأی قاطع خودشان را به



شریفه محمدی را آزاد کنید!

کاهش چشمگیر مشارکت در انتخابات هشتم تیرماه، رفراندوم مردم علیه حکومت اسلامی بود



عبدالله اسدی

پیدا نکرد؟ مگر اصلاح‌طلبان یادشان رفته که حسن روحانی تنها زمانی اطلاع پیدا کرد که سپاه پاسداران، به هواپیمای اوکراینی شلیک کرده که دیگر امکان پنهان‌کردنش را نداشتند. مگر بشار اسد را به تهران دعوت نکردند، ظریف و روحانی از طریق رسانه‌ها باخبر شدند.

مهم‌تر از اینها، به نظر من نام اصلاح‌طلبی برای شما اصلاح‌طلبان زیادی است. چون شما اصلاح‌طلبان خجالتی و بی‌تأثیری هستید. برای اینکه هیچ‌وقت طرحی برای رفرم نداشتید، طرح اصلاحاتی را به جامعه عرضه نکردید. برای اینکه همیشه به حکومت نزدیک‌تر بودید تا مردم. برای اینکه شما اصلاح‌طلبان هیچ‌وقت در مورد حق و حقوق زنان، به‌ویژه در باره حجاب اجباری طرح و پلاتفرمی نداشتید، در مورد زندانیان سیاسی همین‌طور، در مورد حق و حقوق کارگری، برای مثال حق تشکل و حزب و اعتصاب، حق داشتن اتحادیه و سندیکا، حق برگزاری تجمعات، حرفی برای گفتن نداشتید. ده‌ها بار تجمع و اعتراض دانشجویان را با بی‌رحمی تمام سرکوب کردند، ولی اصلاح‌طلبان حکومتی سکوت کردند. زنان را با بی‌رحمی تمام سرکوب کردند؛ ولی صدای اصلاح‌طلبان بلند نشد. بیش از ۷۰ درصد از مجازات‌های اعدام در جهان در سال گذشته در ایران صورت گرفته و اصلاح‌طلبان، لام تا کام در این مورد، حرفی نزدند. در مورد آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی نشر و چاپ کتاب، آزادی‌های هنری و فرهنگی، آزادی بی‌مذهبی که پیشکش حکم ارتداد دارد.

در مورد آزادی‌های مذهبی برای ادیان دیگر غیرمسلمان، مثل بهائیان و مسیحیان و درویش و سنی و دگرباشان جنسی. و بسیاری دیگر که به‌شدت سرکوب شدند، اصلاح‌طلبان لام تا کام موضع نگرفتند. اصلاح‌طلبی به عبارتی دیگر یعنی ایجاد رفرم، یعنی پا گذاشتن لای در برای رفرم برای ایجاد فضای باز سیاسی و فرهنگی، برای رونق اقتصادی. شما اصلاح‌طلبان به من بگویید در این سال‌های بسیار طولانی چه کردید؟ چرا در جریان قتل مهسا و آرمیتا و جنین زن زندگی آزادی سکوت کردید؟ چرا در جریان جنبشی. به این عظمت که توجه جهان را به ایران جلب کرد، سرتان را زیر برف کردید و هیچ نگفتید. چه انتظاری دارید؟ مردم به شما رأی بدهند و چرا باید به شما رأی بدهند؟

برای مردم به تجربه ثابت شده که هرچه زمان می‌گذرد، سفره آنها کوچک‌تر و کم‌رونق‌تر می‌شود، تورم افزایش بیشتری پیدا می‌کند، فقر و فلاکت افزایش بیشتری پیدا می‌کند، هزینه مسکن و اجاره‌خانه‌ها، یکی پس از دیگری افزایش بیشتری پیدا می‌کند و قدرت خرید مردم کاهش بیشتری می‌یابد.

دانشجویان در سال ۹۶ به درست اعلام کردند، اصلاح‌طلب، اصول‌گرا دیگر تمام است ماجرا. آن ۶۰ درصد از مردمی که از هر دو جناح در انتخابات حمایت نکردند، صاف‌وساده دیگر هیچ جناحی از این حکومت را قبول ندارند و این انتخابات، رفراندوم مردم و رای مردم به رفتن جمهوری اسلامی بود. رأی به عدم مشروعیت حقوقی جمهوری اسلامی بود. دور دوم انتخابات بازهم به شکستی دیگر برای حکومت تبدیل خواهد شد. شرکت نکردن در انتخابات برای حکومت پر هزینه خواهد بود و برای مردمی که نمی‌خواهند سر به تن رژیم بمانند، هیچ هزینه‌ای نخواهد داشت. جمهوری اسلامی خیزش مهسا را با بی‌رحمی تمام سرکوب کرد. مردم هم این بار تصمیم گرفتند با رأی‌شان حکومت را به چالش بکشند و از هر نظر آن را از مشروعیت بیندازند. درنهایت راه نجات مردم سرنگونی حکومت است نه تداوم آن با قیمت جان و مال و هست‌ونیست مردم.

زنده‌باد زن زندگی آزادی

آخرین مناظره پزشک‌های و جلیلی از آن جهت دیدنی بود که پزشک‌های عملاً بر تداوم جهت‌گیری و سیاست روحانی در سیاست خارجی رکاب می‌زد و جلیلی هم بر تداوم سیاست خارجی دولت رئیسی-جلیلی حاضر به دادن هیچ نوع امتیازی برای رفع تحریم‌ها، به غرب نبود و پزشک‌های نیز از ابتکارات کارشناسی و تعامل با غرب در مورد لغو تحریم‌ها حرف زد. اما هیچ دلیل و پشتوانه‌ای برای رفع تحریم‌ها نداشت. در واقع هیچ‌کدام هیچ چشم‌اندازی برای برونرفت از وضعیت کنونی از راه سیاست خارجی و رفع تحریم‌ها نداشتند. پزشک‌های در پاسخ به سؤال مناظره‌کننده و در پاسخ به سعید جلیلی که پرسیدند، آیا می‌توانید همه تحریم‌ها را لغو کنید، گفت: (هیچ‌وقت قرار نیست که تمام تحریم‌ها را لغو کنیم یا نکنیم. بستگی به این دارد در گفتگو و مذاکره، آنها چه می‌دهند و ما چه می‌دهیم.)

در واقع سیاست جلیلی، رئیسی. و خامنه‌ای در مقابل رفع تحریم‌ها همچنان سیاست مقاومتی است و برای آنها جنبه شرعی و ایدئولوژیک دارد. حرف "حسابشان" این است که با درپیش گرفتن سیاست مقاومتی و حفظ وضع موجود، نهایتاً سیاست غرب را درهم می‌شکنند و آنها را از "اعمالشان" پشیمان می‌کنند.

مسعود پزشک‌های و اصلاح‌طلبان حکومتی بهتر از هرکس دیگر می‌دانند که چه رئیس‌جمهور و چه وزیر امور خارجه و اقتصاد و بازرگانی، از آنها باشد یا نباشد، خامنه‌ای مسیر سیاست خارجی را تعیین خواهد کرد. همین جنگ‌افروزی و غرب‌ستیزی و تهدیدات اتمی سال‌هاست سیاست خارجی جمهوری اسلامی را به بن‌بست رسانده است. اگر نه اصلاح‌طلبان ۸ سال خاتمی را در قدرت داشتند و ۸ سال هم روحانی را، آنها به جز سرگرم کردن مردم به بی‌عملی و وعده‌های توخالی هیچ رونقی در زندگی مردم ایجاد نکردند.

مسعود پزشک‌های، از دانشجویان پیرو خط امام بوده، خودش در مصاحبه با رسانه‌های حکومتی می‌گوید در زمانی که دانشجوی دانشکده پزشکی بودم (دیدم معاینه‌ای که از زنان به عمل می‌آوردند، از نظر اعتقادی برای من قابل قبول نیست) و هنگامی که مسئول شده بود، تلاش کرده بود، از آن جلوگیری کند و به‌خاطر طرح این موضوع امام‌جمعه تهران بهش گفته بود، تو شیرپاک‌خورده هستی. پزشک‌های چند بار در مناظره در مورد میزان اختیارات رئیس‌جمهور اعتراف کرد که در باره مسائل مهم کشور، هرچه خامنه‌ای بگوید همان می‌شود. پزشک‌های مدام در مناظره‌های خود می‌گوید، هر تغییری که بخواهیم ایجاد کنیم در چهارچوب قوانین نظام جمهوری اسلامی است. کسی که از تمام اعمال گذشته خود برای اسلامی کردن محیط دانشگاه‌ها و مدارس و بیمارستان و اجرای انقلاب فرهنگی کثیف‌شان هنوز که هنوز است، دفاع می‌کند و به‌عنوان افتخار از گذشته سپاه خود یاد می‌کند، فرق چندانی با جلیلی و مصباح یزدی ندارد.

مگر اصلاح‌طلبان کم در قدرت بودند، مگر رفسنجانی هم با شهرت سردار سازندگی و با تمام قدرت و هارت و پورتی که داشت به جبهه اصلاحات نپیوست، مگر در خاطراتان نیست که چطور خردش کردند، مگر در خاطراتان نیست، دارودسته همین سعید جلیلی چطور سرش را زیر آب کردند؟ مگر اصلاح‌طلبان جرئت کردند حرفی بزنند، مگر حتی جرئت کردند تحقیقاتی در مورد چگونگی مرگش به عمل بیاورند؟ مگر حسن روحانی با وعده رفع حصر، خانگی، از میرحسین موسوی و مهدی کروبی و هزار و یک وعده‌وعید دیگر به ریاست جمهوری ۸ساله دست

رأی مردم به سرنگونی، ادامه کابوس حکومت

زندگی آزادی است و تا اینجا نتیجه آشکارا این بوده است که فضای سرنگونی طلبی فعال تر شده، صوف حکومت به هم ریخته تر شده و مردم متحدتر و با روحیه ای تعرضی تر علیه حکومت قد علم کرده اند.

اکنون با کشیده شدن این انتخابات کذابی به دور دوم، معضلات بیشتری گریبان حکومت را خواهد گرفت و مردم از این فرصت نیز برای پیشروی بیشتر و تقویت صفوف خود علیه حکومتی که اکنون بیش از هر زمان در داخل و خارج کشور منزوی و بی آبرو شده است استفاده خواهند کرد. حتی خود بالایی ها از وضعیت نگران کننده و "احتمال فتنه جدید" سخن می گویند.

مسئله اصلی این است که اوضاع بعد از انقلاب زن زندگی آزادی، به شدت انفجاری است و هر رویداد سیاسی برای حکومت به معنی بحران بیشتر و برای مردم پیشروی بیشتر است. مردم عزم کرده اند که خود را از شر این حکومت جنایت و چپاول خلاص کنند و با جسارت و شجاعت در همه جا علناً فریاد سرنگونی سر می دهند. این جامعه با عزم جزم می خواهد خود را از دوران تاریک و خونین حاکمیت اسلامی یعنی اعدام و زندان و فقر و اختلاس ها و تحجر و مذهب و کل پلشتی های حاکم خلاص کند و طرحی نو در اندازد. در این شرایط حتی رویدادی مثل انتخابات نمایشی حکومت، فضای تعرض به حکومت را فعال تر می کند. همه چیز این را تأکید می کند که انتخاب مردم سرنگونی است. دور دوم انتخاباتشان را نیز به شکست باز هم بیشتری تبدیل خواهیم کرد.

حزب کمونیست کارگری به همه مردم آزاده درود می فرستد و بر اتحاد همه بخش های مردم برای سرنگونی این حکومت منحوس و برپایی یک دنیای بهتر تأکید می کند. ما مردم سزاوار زندگی بسیار بهتری هستیم و آن را با انقلاب خویش برپا خواهیم داشت.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ تیرماه ۱۴۰۳، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۴

انتخابات حکومتی به دور دوم کشیده شد و دو نفر که یکی اصول گرا و دیگری اصلاح طلب حکومتی شمرده می شوند در مسابقه باقی مانده اند. همان گونه که پیش بینی می شد میزان پایین شرکت در این نمایش حکومتی بی سابقه بود. حکومت درصد شرکت کنندگان را حدود ۴۰ درصد اعلام کرده است. اما شواهد نشان می دهد که آمار مشارکت بسیار کمتر از اینها بوده و تعداد آرا را سه برابر کرده اند.

اینکه جمهوری اسلامی ناچار شد انتخابات را به دور دوم بکشد، و اینکه حتی جناح موسوم به اصول گرا نتوانست بر سر یک کاندید واحد توافق کند و اینکه ناچار شدند یک دوم خردادی را در سیرک مسابقه نگه دارند و آرای پایین همه کاندیدها و به ویژه اصول گراها و حلقه سخت قدرت، گویای وضعیت نزار حکومت و به معنای این است که کابوس حکومت ادامه دارد و معضلات بیشتری گریبانش را گرفته است.

ابراهیم رئیسی یک آخوند جنایت کار گوش به فرمان و کم مقدار در حلقه حکومتی ها بود. اما مرگ او در فضای گسترده سرنگونی طلبی در جامعه، ضربه محکمی به کل حکومت وارد کرد. مردم با مرگ رئیسی. شادی کردند، به حکومتیان تعرض کردند، کارنامه جنایات دهه شصت را پیش کشیدند و جنبش سرنگونی خیز تازه ای برداشت. با اعلام برگزاری انتخابات برای تعیین جانشین رئیسی از همان ابتدا موج ابراز انزجار علیه حکومت و اعلام تحریم و بایکوت این نمایش وسیعاً به جریان افتاد. تشکل های مردمی، کارگران نفت، شورای بازنشستگان، نویسندگان، کارگران هفت تپه، دادخواهان، تشکل ها و فعالین حقوق زنان، دانشجویان و ال جی بی تی کیوها اعلام کردند که در این نمایش ضد مردمی نباید شرکت کرد. زندانیان سیاسی، مادران دادخواه در کردستان و چهره هایی مثل گوهر عشقی مادر زنده یاد ستار بهشتی و اسماعیل بخشی و بسیاری از چهره های محبوب و شناخته شده دیگر گفتند رأی بی رأی و نباید انگشت در خون عزیزان مردم زد.

مردم اعلام کرده بودند که رأی ما سرنگونی و انتخاب ما انقلاب زن



رای
ما
سرنگونی!

اطلاعه‌های هفته اخیر

خود فراخوان به تجمع مشترک در مقابل صندوق بازنشستگی کشوری را داده‌اند. بازنشستگان در کرمانشاه نمونه خوبی از اعتراض متحد بخش‌های مختلف بازنشستگان را به دست داده‌اند. این الگورادر همه شهرها می‌توان بکار گرفت.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ تیر ۱۴۰۳، ۱ ژوئیه ۲۰۲۴

اخبار نفت ۸

اعتصاب کارگران پروژه‌های پیمانی نفت در بیش از ۱۱۵ مرکز نفت و گاز

امروز یازدهم تیرماه اعتصاب هزاران کارگر پروژه‌های پیمانی نفت در بیش از ۱۱۵ شرکت نفت و گاز ادامه دارد. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در کانال تلگرامی خود از پیوستن ده‌هزار نفر دیگر از کارگران به این اعتصابات خبر داده و می‌نویسد: "با بلند کردن صدای اعتراضمان به حاکمیت چند دهه بساط بردووار کاری در مراکز نفت و چپاولگری‌های پیمانکاران اعلام کردیم "رأی بی رأی"، و آنها صندوق‌های رأی‌شان را در داخل سالن اجتماعات پتروشیمی‌ها و سایت‌ها آوردند. اما نه خبری از همکاران پروژه‌ای بود و نه رأی‌دادنشان".

طبق همین گزارشات پیمانکاران تلاش بسیاری کرده‌اند که با استخدام نیروهای جدید صف اعتصاب کارگران را بشکنند، اما علی‌رغم پیشنهاد مزد بالاتر کسی حاضر به قبول کار به جای کارگران اعتصابی نشده است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت مطالبات فوری کارگران پروژه‌های نفت در این اعتصاب را این گونه بیان می‌کند: "افزایش حقوقها و اجرایی شدن فوری افزایش ۳۵ درصدی حقوقها در تمام سطوح مزدی و لحاظ کردن نرخ تورم ۴۵ درصدی در این افزایش. ۱۴ روز کار، ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران. بعلاوه اینکه ما پیگیر مطالبات پاسخ نگرفته خود در زمینه بهبود وضع خوابگاه‌ها، وضعیت غذا، ایمنی محیط کار و دیگر خواست‌هایمان هستیم".

از خواست‌ها و اعتراضات کارگران پروژه‌های نفت فعالانه حمایت کنیم و صدای اعتصاب و اعتراض آنها را بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ تیر ۱۴۰۳، ۱ ژوئیه ۲۰۲۴

۱۰ تیر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در چندین شهر "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"

امروز دهم تیرماه بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در شهرهای مختلفی تجمع داشتند. تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی در این روز در شهرهای کرمانشاه، تهران و اهواز برگزار شدند.

در کرمانشاه بازنشستگان با همراهی بازنشستگان کشوری تجمع داشتند و شعار می‌دادند: "کاندیدای دروغگو، حاصل وعده‌ها کوفت"، "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، "معلم زندانی، آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی، آزاد باید گرد"، "روسری رورها کن، فکری به حال ما کن"

در تهران بازنشستگان تأمین اجتماعی مثل هفته‌های قبل دست به تجمع زدند و شعار می‌دادند: "زن و مرد برابرند، متحد و دلاورند".

در اهواز علی‌رغم فشارهای امنیتی بر بعضی فعالین و نیز گرمای شدید خوزستان، بازنشستگان تأمین اجتماعی تجمع اعتراضی خود را علیه وضعیت بد معیشتی و پایمال شدن حقوق خود مقابل ساختمان تأمین اجتماعی برگزار کردند.

در این روز بازنشستگان صنایع فولاد در شهرهای قائم‌شهر، شاهرود، تهران، اصفهان و اهواز تجمع کردند. در اصفهان بازنشستگان درحالی که بر روی کاغذ خواست‌های خود را نوشته و به دست گرفته بودند، با شعار "فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن" صدای اعتراضشان بلند کردند. در این حرکت اعتراضی بازنشستگان در اصفهان درحالی که راهپیمایی می‌کردند شعار دادند: "نه گرما، نه سرما، نیست جلودار ما"، "فقط کف خیابان به دست میاد حق ما"

اعتراض بازنشستگان به فقر، بی‌تامینی، فساد و بساط سرکوب و جنایت حکومت است. بازنشستگان با فریاد "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد" صدای اعتراض همه مردم هستند. از خواست‌ها و مبارزات بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ تیر ۱۴۰۳، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۴

۱۱ تیر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات

در تبریز و بیجار

فراخوان بازنشستگان در کرمانشاه به تجمع مشترک

امروز یازدهم تیرماه بازنشستگان مخابرات در شهرهای تبریز و بیجار دست به تجمع زده و پیگیر مطالباتشان شدند. بخش‌های مختلف بازنشستگان متناوباً تجمع و اعتراض می‌کنند و تعرض حاکمین حریص و چپاولگر به حقوق و معیشتشان را مورد حمله قرار می‌دهند. اعتراض بازنشستگان به فقر، بی‌تامینی، فساد و بساط سرکوب و جنایت حکومت است. بعلاوه بازنشستگان مخابرات به اجرایی نشدن آیین‌نامه استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ که می‌تواند بهبودی در سطح دریافتی‌های آنها ایجاد کند معترض‌اند. اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوقها به بالای رقم سبب معیشت سی‌میلیونی و درمان رایگان دو خواست سراسری بازنشستگان است.

مطالبات مشترکی اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان را به هم پیوند می‌زند. بخش‌های مختلف بازنشستگان از جمله بازنشستگان مخابرات، کشوری، تأمین اجتماعی و علوم پزشکی برای پیگیری مطالبات

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام

یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به

جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و

غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.

همچنین مجازات حبس ابد باید لغو

شود.

(یک دنیای بهتر)

شعار "زن زندگی آزادی" در فستیوال پراید تورنتو

امسال در تورنتو به همت گروه ایرانی "سیمرغ" و فعالان دیگر ال جی بی تی کیو پلاس و برخی از ایرانیان آزادی خواه یکی از باشکوهترین پرایدهای سالهای گذشته را شاهد بودیم.

خیابانهای شهر تورنتو - کانادا در فستیوال پراید سال ۲۰۲۴ با شعارهای "زن زندگی آزادی تسخیر شد!"

تورنتو سنتاً یکی از بزرگترین پرایدهای جهان را برگزار می کند و بیش از یک میلیون نفر از شهرهای اطراف از کانادا و آمریکا در آن شرکت می کنند.

امسال قسمت ایرانی این پراید با شعارهای "زن زندگی آزادی"، و سرودهای "برای" و دیگر ترانه سرودهای انقلاب زن زندگی آزادی در مسیر راه در خیابانهای بزرگ و مهم تورنتو طنین افکن بود.

فعالین حزب کمونیست کارگری نیز مانند هر سال در این برنامه شرکت داشتند.

از تک تک عزیزان و فعالینی که در این چند روز خستگی ناپذیر تلاش و فعالیت کردند تا انعکاس صدای انقلاب زن زندگی آزادی در جهان باشند تشکر می کنیم.

دوشنبه اول جولای ۲۰۲۴

حزب کمونیست کارگری ایران - تشکیلات شرق کانادا



شریفه محمدی کارگر زندانی به اعدام محکوم شد علیه این حکم ضدانسانی به اعتراض برخیزیم

بنا بر خبر منتشر شده در روز پنجشنبه ۱۴ تیر شریفه محمدی کارگر زندانی توسط شعبه اول دادگاه انقلاب رشت با اتهام "بغی" محاکمه و به اعدام محکوم شد.

شریفه محمدی در چهاردهم آذرماه ۱۴۰۲ دستگیر شده و مدت چند ماهی در سلول انفرادی برای گرفتن اعتراض اجباری زیر شکنجه جسمی و

روحي شديد قرار داشت. فشار بر روی شریفه محمدی به حدی بود که شاید به خاطر ترس از به خطر افتادن جان وی، گزارشها حاکی از این است که برخی مسئولین زندان نسبت به شدت ضرب و شتم او اعتراض کردند. پس از اعتراض مسئولین زندان، به شکنجه شریفه، او امکان ثبت شکایت را پیدا کرد اکنون مشخص گردیده که در این مدت او به شدت مورد شکنجه قرار گرفته است و تا مدت ها از ملاقات با خانواده خود، به ویژه فرزندش محروم بود و برای مدت طولانی اجازه تماس تلفنی با خانواده را نداشت.

هنگم بازداشت به شریفه اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" اعلام شد. اما این اتهام پس از مدتی به اتهام "بغی" که یک اتهام بسیار سنگین در قوانین جمهوری اسلامی است، تغییر یافت. مصادیق این اتهام "عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" قید شده است و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی این تشکل را وابسته به کومله اعلام کرده اند و بر این اساس برای او حکم اعدام صادر کرده اند.

جان شریفه محمدی به طور جدی در خطر است. به نجات او بشتابیم. او به خاطر فعالیت در یک تشکل کارگری و دفاع از حقوق کارگران حکم اعدام گرفته است. صدای اعتراض او باشیم. از حق بی قید و شرط تشکل و تبلیغ و فعالیت سیاسی دفاع کنیم. با نامه های اعتراضی جمعی علیه این حکم جنایت کارانه کیفرخواست دهیم. به نهادها و اتحادیه های کارگری و مدافع حقوق انسانی در سطح بین المللی نامه دهیم و خواستار زیر فشار قراردادن حکومت منفور اسلامی و آزادی شریفه محمدی شویم. حکم وحشیانه اعدام برای شریفه محمدی باید لغو شود. او باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now)

Shahla.danesfar2@gmail.com

۱۴ تیر ۱۴۰۳، ۴ ژوئیه ۲۰۲۴

FREE THEM NOW

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

FREE SHARIFEH MOHAMMADI NOW!



FREE ALL JAILED LABOUR
ACTIVISTS IN IRAN NOW!

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۸ تیر تا ۱۴ تیر ۱۴۰۳

جمعه ۸ تیر

بیمارستانی خارج از زندان شیبان منتقل شده‌اند و هنوز اطلاعاتی دقیقی از وضعیت سلامتی آنها در دسترس نیست. جمهوری اسلامی مسئول مرگ این زندانیان است و باید به مردم جوابگو باشد.

- شماری از کارگران گروه ملی فولاد اهواز با خواست بازگشت به کار خود در تهران مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. این کارگران در اسفندماه گذشته در جریان اعتراضات قدرتمند کارگران فولاد اهواز علیه فساد مدیریت و با خواست افزایش فوری دستمزدها و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل از کار بیکار شدند. اعتراضاتی که در آن تمام بخش‌های این کانون داغ اعتراضی دست از کار کشیده و با راهپیمایی و فریاد شعارهای کوبنده خود بار دیگر خیابان‌های اهواز را به لرزه در آوردند.

- هزاران کارگر پروژه‌های نفت برای پیگیری مطالباتشان و با سه مطالبه فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روزکار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران و پیگیری دیگر مطالباتشان همچنان در اعتصاب هستند و ابعاد اعتصاب هر روز وسیع‌تر می‌شود. کارگران در مراکز نفت و گاز در مناطق مختلف استان خوزستان نیز به این اعتصاب پیوسته‌اند.

- به گزارش رسانه‌های حکومتی روز دوشنبه اهواز با ۶/۵۰ درجه سانتیگراد گرم‌ترین نقطه استان خوزستان بود. در شرایط محرومیت مردم از وسایل سرمایشی و قطعی پدربق و مشکل بی‌آبی، این گرما همواره صدمات بسیاری به مردم وارد کرده است. بعلاوه اینکه در چنین دمایی از گرما کارگران در بسیاری از مراکز کاری ناگزیر به کار هستند، بدون اینکه تجهیزات لازم برای مقابله با این گرمای سوزان و دستگاه‌های با استاندارد تهویه هوا در محل‌های کار وجود داشته باشد. در بسیاری اوقات کار در این شرایط موجب حملات قلبی و بیهوشی کارگران شده است.

یکشنبه ۱۰ تیر

- بازنشستگان فولاد در اهواز در منطقه کیان‌پارس برای پیگیری مطالباتشان مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند. بخش‌های مختلف بازنشستگان متناوباً تجمع و اعتراض می‌کنند و تعرض حاکمین حریص و چپاولگر به حقوق و معیشتشان را مورد اعتراض قرار می‌دهند. اعتراض بازنشستگان به فقر، بی‌تامینی، فساد و بساط سرکوب و جنایت حکومت است.

- بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز علی‌رغم فشارهای امنیتی بر بعضی فعالین و نیز گرمای شدید خوزستان، مقابل ساختمان تأمین اجتماعی تجمع کردند.

شنبه ۹ تیر

- بنا به گفته خواهر مجاهد کورکور زندانی سیاسی محکوم به اعدام در زندان شیبان اهواز، نامبرده ممنوع التماس و ملاقات است و خانواده از وضع وی بی‌اطلاع می‌باشد. قوه قضاییه جمهوری اسلامی، مجاهد کورکور را به تیراندازی ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در ایذه و کشتن هفت شهروند، از جمله "کیان پیرفلک" متهم کرده است. این زندانی سیاسی اتهامات مطروحه بر ضد خود را رد کرده و مادر کیان پیرفلک نیز در مراسم خاک‌سپاری فرزندش تأکید کرد که این مأموران حکومتی بودند که

- سپیده قلیان زندانی سیاسی در بند زنان اوین به مناسبت سیرک انتخاباتی حکومت، نامه‌ای داده و می‌نویسد: "رای ندادن در چنین شرایطی نوعی از مقاومت مدنی است که به عدم وجود مکانیسم‌های دموکراتیک اعتراض می‌کند. مردم با عدم شرکت در انتخابات نارضایتی عمومی خود از وضعیت را نشان می‌دهند و پیامی مهم به جامعه جهانی از وضعیت اسف‌بار سیاسی و اجتماعی ایران می‌دهند. این در شرایطی که جمهوری اسلامی پس از سرکوب‌های شدید و در آخرین انواع آن سرکوب‌های خونین جنبش زن زندگی آزادی به دنبال مشروعیت جهانی است، اهمیت بسیار ویژه دارد. مقاومت مدنی از نوع رای ندادن باید به‌صورت فعالانه و در جهت ارتقای جنبش انقلابی زن زندگی آزادی باشد. این ممکن نیست مگر با حفظ همبستگی اجتماعی میان گروه‌های مختلف و بازنمایی سیاسی آن در جهت تحقق دموکراسی واقعی و آزادی در ایران. به امید سرنگونی"

پنجشنبه ۱۴ تیر

- رعنا کورکور، خواهر مجاهد کورکور، از بازداشت‌شدگان خیزش سراسری «زن زندگی آزادی» که توسط بیدادگاه حکومت اسلامی به اعدام محکوم شده است، بازداشت شد. مجاهد (عباس) کورکوری با حکم اعدام در زندان شیبان اهواز به سر می‌برد.

- اعتصاب و تجمع کارگران ارکان ثالث شرکت ملی اهواز ادامه یافت و کارگران پیگیر مطالبات خود و حذف پیمانکاران هستند. یک مطالبه فوری این کارگران بازگشت به کار یاسر احمدی‌نژاد کارگر اخراجی است که شش ماه است از کار تعلیق شده است.

چهارشنبه ۱۳ تیر

- بیش از سیصد کارگر ارکان ثالث در شرکت ملی حفاری در ادامه اعتراضات قبلی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی خود دست به اعتصاب زده و در اهواز تجمع کردند. افزایش حقوقها و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و حذف پیمانکاران، مطالبات اعلام شده کارگران ارکان ثالث است. این اعتراضات همراه با اعتراضات هزاران نفر کارگر پروژه‌های پیمانی نفت نشانگر گستردگی اعتراضات در این مرکز کلیدی کارگری است.

- بازنشستگان شرکت نفت در اعتراض به وضع بد معیشتی و پاسخ نگرفتن مطالبات خود مقابل درب صندوق بازنشستگی صنعت نفت در منطقه امانیه اهواز تجمع کردند.

سه‌شنبه ۱۲ تیر

- شوشتر (استان خوزستان): اعتصاب و تجمع کارگران شرکت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی. کارون بزرگ در پای کار، در اعتراض به وضعیت ناپایدار شغلی خود، صورت گرفت.

دوشنبه ۱۱ تیر

- چهار زندانی در بند ۳ زندان شیبان اهواز به دلایل نامشخص جان خود را از دست داده‌اند. بنا به برخی گزارشات به این زندانیان داروهای اشتباهی داده شده است که منجر به مسمومیت و مرگ آنها شده است که گفته می‌شود تعدادی بوده است. علاوه بر این، ۱۵ زندانی دیگر به

اهواز نشان می‌دهد که صندوق‌های رأی حکومتی بسیار کساد و خالی بوده است و درصد بسیار پایینی از مردم، در انتخابات کذابی شرکت کرده‌اند.

- امان جلالی نژاد، معلم ساکن اهواز، کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان شیبان این شهر در بازداشت به سر می‌برد. همچنین علی‌رغم اینکه بازریس پرونده دستور رفع توقیف وسایل ضبط شده او را داده بود، حفاظت اطلاعات کماکان از تحویل آنها خودداری می‌کند. نیروهای امنیتی امان جلالی نژاد را در تاریخ ۲۰ فروردین سال جاری، در محدوده ورودی شهر اهواز بازداشت و اوایل خرداد از بند قرنطینه زندان شیبان اهواز به بند امنیتی این زندان منتقل کردند.

۸ تیر ۱۴۰۳، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۴

خودروی آن‌ها را به رگبار بستند. مجاهد کورکور در ۲۹ آذر ۱۴۰۱، دستگیر شد

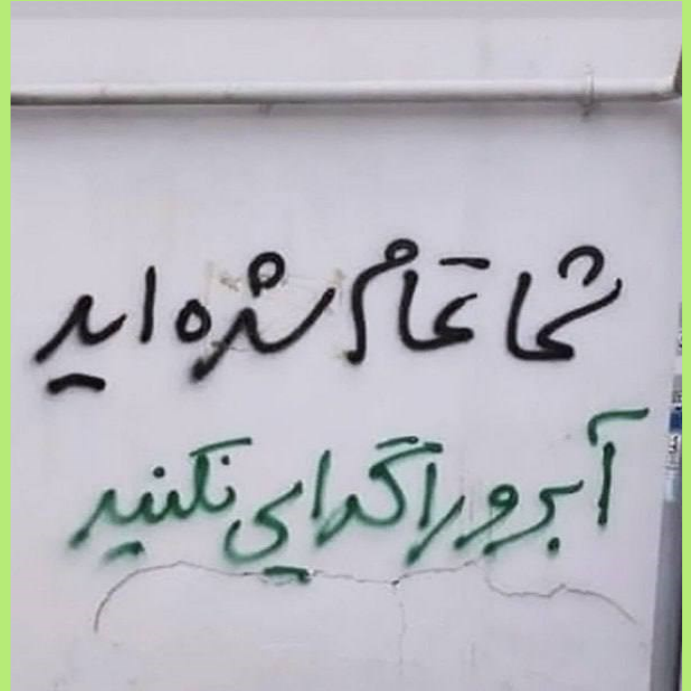
- جمعی از کارگران شرکتی، شاغل در شرکت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی. کارون بزرگ که به صورت پیمانکاری مشغول کارند، با حضور در محوطه داخلی شرکت خواستار پیگیری وضعیت شغلی و استخدامی خود شدند.

جمعه ۸ تیر

- همان‌گونه که انتظار می‌رفت، خالی بودن صندوق‌های رأی در شهرهای مختلف، توده‌ی مردم در سراسر کشور به حکومت و مضحکه انتخاباتش بود. در شهرهای خوزستان نیز گزارش‌ها از کساد بی‌ساعت انتخابات حکومت خبر می‌دهند. برای مثال گزارشاتی از گتوند و دزفول و



کارگر زندانی
آزاد باید گردد!



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: www.facebook.com/wpiarn

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

milad.rabei@gmail.com

ماهواره پناه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com